«مَندو» سفیر تازه گردشگری‌فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد در آلمان

راهیابی مستند کوتاه «مندو» به جشنواره بین‌المللی دتمولد آلمان، ظرفیتی مهم برای معرفی چهره فرهنگی، هنری و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد در یکی از رویدادهای معتبر فیلم کوتاه جهان فراهم کرده است. مستند کوتاه «مندو» از تولیدات انجمن سینمای جوانان ایران، دفتر یاسوج، به جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه دتمولد آلمان راه یافت؛ رویدادی معتبر که سالانه میزبان بیش از سه هزار فیلم کوتاه از حدود ۸۰ کشور جهان است و حضور در آن، برای هر اثر، یک فرصت مهم در مسیر دیده‌شدن جهانی به‌شمار می‌رود. این موفقیت، افزون بر ارزش هنری، می‌تواند زمینه‌ای مؤثر برای معرفی داشته‌های فرهنگی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد در سطح بین‌المللی فراهم کند. عبدالکریم عبودی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان کهگیلویه بیان کرد: چنین رویدادی، بستر مناسبی برای دیده‌شدن توان هنری فیلمسازان جوان استان و همچنین معرفی غیرمستقیم فرهنگ، سبک زندگی، پیشینه اجتماعی و جذابیت‌های بومی این خطه به مخاطبان جهانی فراهم می‌کند. وی با اشاره به راهیابی «مندو» به یک جشنواره بین‌المللی گفت: این جشنواره در عین حال حامل این پیام است که سینمای مستند می‌تواند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای معرفی جاذبه‌های کمتر دیده‌شده ایران تبدیل شود.

گزارش

نوروز دریا؛ آیین کهن دریانوردان هرمزگان و روایت پیوند انسان با خلیج فارس

صدیقه غلامی / خلیج فارس این گستره تاریخی، همواره بستری برای شکل‌گیری فرهنگ‌ها، آیین‌ها و باورهایی بوده که نسل به نسل میان ساکنان کرانه‌های جنوبی ایران منتقل شده است. مردمان ساحل‌نشین هرمزگان در طول قرن‌ها، زندگی خود را با ریتم دریا، وزش بادها، تغییرات اقلیمی و حرکت ستارگان هماهنگ کرده‌اند و از دل این ارتباط عمیق، مجموعه‌ای از آیین‌های دریایی پدید آمده است که هریک روایتگر بخشی از هویت فرهنگی این سرزمین هستند. در میان این آیین‌ها، «نوروز دریا» جایگاهی ویژه دارد؛ سنتی که بازتابی از دانش دریانوردی ایرانیان، احترام به طبیعت و پیوند ناگسستنی انسان با دریاست. این آیین که در گذشته میان دریانوردان و صیادان سواحل خلیج فارس رواج داشته، نه‌تنها یک جشن فرهنگی، بلکه نشانه‌ای از آغاز دوره‌ای تازه در فعالیت‌های دریایی و شروع سفرهای بزرگ دریانوردی به‌شمار می‌رفته است.

خلیج فارس از دیرباز یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی جهان بوده و نقش مهمی در تبادل کالا، اندیشه و فرهنگ میان تمدن‌های مختلف ایفا کرده است. حضور اقوام و ملت‌های گوناگون از آسیا، آفریقا و اروپا در این منطقه، موجب شکل‌گیری فرهنگی پویا و چندلایه در میان ساکنان آن شده است؛ فرهنگی که در آن عناصر ایرانی، دریایی و اقلیمی درهم آمیخته‌اند. مردمان هرمزگان به دلیل زندگی در کنار دریا، آداب و رسوم ویژه‌ای شکل داده‌اند که در بسیاری از نقاط دیگر ایران نمونه مشابهی ندارد. آیین‌های مرتبط با باران‌خواهی، پیش‌بینی وضعیت هوا و دریا، مراسم‌های دریانوردی، موسیقی‌های آیینی همچون رزیف و همچنین نوروز دریا، بخشی از میراث ناملموس این منطقه محسوب می‌شوند که دانش و تجربه تاریخی نسل‌های گذشته را در خود حفظ کرده‌اند.

نوروز و تقویم دریانوردان

نوروز در فرهنگ ایرانی همواره نماد آغاز، تازگی و تولد دوباره طبیعت بوده است؛ اما برای دریانوردان جنوب ایران، این مفهوم معنایی گسترده‌تر پیدا می‌کرد. آنان نوروز را تنها آغاز سال نمی‌دانستند، بلکه آن را نشانه‌ای از تغییر شرایط طبیعی، آغاز آرامش دریا و زمان مناسب برای شروع سفرهای دریایی می‌دانستند. دریانوردان سنتی خلیج فارس با شناخت دقیق از وضعیت آب‌وهوا، جریان بادها و تغییرات فصلی، زمان فعالیت‌های دریایی خود را تنظیم می‌کردند. تجربه آنان نشان داده بود که تغییر فصل‌ها و وضعیت‌های جوی ارتباط مستقیمی با امنیت سفرهای دریایی دارد؛ از همین رو نوروز به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تقویم دریانوردی مورد توجه قرار گرفت. این هماهنگی میان دانش بومی و پدیده‌های طبیعی، موجب شکل‌گیری آیینی شد که بعدها با عنوان «نوروز دریا» شناخته شد؛ روزی که در آن دریانوردان با سپاسگزاری از خداوند و گرامیداشت نعمت دریا، آغاز فصل جدید فعالیت‌های خود را جشن می‌گرفتند.

آیینی برای سپاس از دریا

بر اساس روایت‌های تاریخی و فرهنگی، دریانوردان ایرانی در دهم مردادماه هر سال، که برابر با آغاز ماه اوت میلادی است، آیین نوروز دریا را برگزار می‌کردند. آنان این روز را زمان آرام‌گرفتن دریا، آغاز دوره‌ای مناسب برای دریانوردی و شروع سفرهای تازه می‌دانستند. در این مراسم، دریانوردان با خود گل، گیاه و شاخه‌های سبز درختان، به‌ویژه گیاهان و میوه‌های مناطق گرمسیری را همراه می‌بردند و با حضور در میانه دریا، به شکرگزاری می‌پرداختند. این هدایا نمادی از احترام انسان به طبیعت و سپاس از نعمت دریا بود؛ دریایی که قرن‌ها منبع زندگی، معاش و ارتباط مردم جنوب ایران با جهان پیرامون بوده است. پس از برگزاری این آیین و یک روز شادی و گردهمایی، دریانوردان به سواحل و بنادر خود بازمی‌گشتند و از روز بعد، سفرهای دریایی، صید و تجارت خود را با امید و توکل آغاز می‌کردند.

میراثی از دانش و تجربه دریایی

نوروز دریا تنها یک مراسم آیینی نیست؛ بلکه بخشی از نظام دانش سنتی دریانوردان ایرانی است. مردمان ساحل‌نشین طی قرن‌ها با مشاهده طبیعت، حرکت بادها، وضعیت آسمان و رفتار دریا، دانشی ارزشمند درباره دریانوردی به‌دست آورده‌اند؛ دانشی که در ساخت لنج‌ها، تعیین مسیرهای دریایی، شناخت فصل‌های مناسب سفر و شیوه‌های صید و تجارت نمود پیدا کرده است. فرهنگ دریایی خلیج فارس مجموعه‌ای از مهارت‌ها، واژه‌ها، باورها، موسیقی‌ها و آیین‌هایی است که حاصل تجربه تاریخی ایرانیان در ارتباط با دریا بوده است.

طبیعت‌گردی

۳ مقصد گردشگری کم‌هزینه و خنک اطراف تهران

تابستان و تعطیلات آخر هفته، بسیاری از ساکنان تهران را به فکر سفری کوتاه و کم‌هزینه می‌اندازد. خوشبختانه در فاصله کمتر از دوساعت از پایتخت، مقاصدی وجود دارد که بدون نیاز به اقامت شبانه، می‌توان یک روز متفاوت را در دل طبیعت سپری کرد. از روستاهای سرسبز لواسان تا تنگه‌های خنک فیروزکوه، این مسیرها گزینه‌هایی مناسب برای فرار از گرما و شلوغی شهر هستند. به گزارش خبرآنلاین، تهران شاید یکی از شلوغ‌ترین کلانشهرهای کشور باشد، اما در اطراف آن ده‌ها مقصد طبیعی قرار دارد که هرکدام می‌توانند در کمتر از یک روز، حال‌وهوای سفر را برای گردشگران فراهم کنند. بررسی گزارش‌های منتشرشده در خبرآنلاین نشان می‌دهد سفرهای یک‌روزه در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین شیوه‌های گردشگری تبدیل شده؛ سفرهایی که هزینه کمتری دارند، زمان زیادی از افراد نمی‌گیرند و برای خانواده‌ها نیز گزینه‌ای مناسب محسوب می‌شوند.

افجه؛ روستایی سرسبز در نزدیکی تهران: اگر به دنبال مقصدی هستید که هم مسیر کوتاهی داشته باشد و هم امکان پیاده‌روی در طبیعت را فراهم کند، روستای افجه در لواسان یکی از بهترین انتخاب‌هاست. این روستا که در حدود ۳۰ کیلومتری شمال شرق تهران قرار گرفته، با باغ‌های میوه، کوچه‌باغ‌های قدیمی و آب‌وهوای خنک‌تر نسبت به پایتخت شناخته می‌شود. مهم‌ترین جاذبه افجه، دشت هویج است؛ دشتی وسیع که در بهار و اوایل تابستان چشم‌انداز زیبایی پیدا می‌کند و مقصد محبوب طبیعت‌گردان است. علاوه بر آن، آبشار پسچویک و مسیرهای کوه‌پیمایی اطراف روستا نیز گردشگران زیادی را جذب می‌کنند. برای این سفر، کفش مناسب پیاده‌روی و آب آشامیدنی کافی همراه داشته باشید.

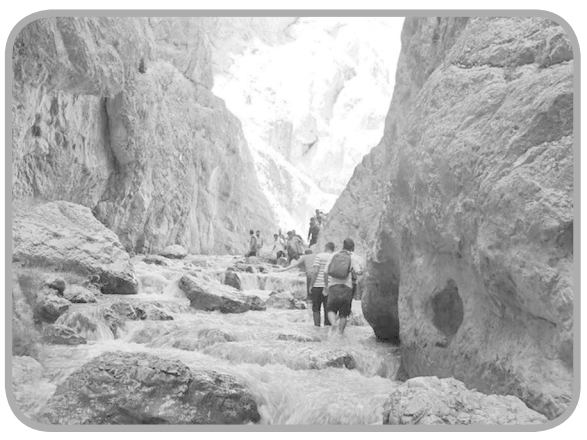

تنگه واشی؛ مقصدی برای عاشقان آب و طبیعت: تنگه واشی در نزدیکی فیروزکوه، یکی از شناخته‌شده‌ترین مقاصد گردشگری اطراف تهران است. ویژگی اصلی این منطقه، عبور از میان تنگه‌ای سنگی و حرکت در مسیر رودخانه تا رسیدن به آبشاری مرتفع است؛ تجربه‌ای که در روزهای گرم تابستان، هوایی خنک و متفاوت را برای گردشگران رقم می‌زند.

علاوه بر طبیعت بکر، نقش‌برجسته تاریخی دوره قاجار نیز در این منطقه قرار دارد که بر جذابیت آن افزوده است. البته به دلیل عبور از آب، استفاده از کفش مناسب و رعایت نکات ایمنی ضروری است و بهتر است این سفر در ساعات ابتدایی روز آغاز شود.

برگ‌جهان؛ آرامش در دامنه البرز: برگ‌جهان از قدیمی‌ترین روستاهای لواسانات است و در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری تهران قرار دارد. رودخانه‌ای که از میان روستا عبور می‌کند، باغ‌های میوه، چشم‌انداز کوهستان و هوای مطبوع، این منطقه را به مقصدی مناسب برای یک پیک‌نیک خانوادگی یا پیاده‌روی یک‌روزه تبدیل کرده است. اگرچه بخشی از بافت تاریخی روستا در سال‌های اخیر آسیب دیده، اما طبیعت برگ‌جهان همچنان مهم‌ترین جاذبه آن محسوب می‌شود. بهترین زمان سفر به این منطقه از اواسط بهار تا پایان تابستان است؛ زمانی‌که درختان سرسبز و جریان آب، فضای دلپذیری را برای گردشگران فراهم می‌کند. در شرایطی که هزینه سفرهای چندروزه افزایش یافته، مقاصد نزدیک تهران می‌توانند گزینه‌ای اقتصادی برای تغییر حال‌وهوا باشند. تنها کافی است مقصد را متناسب با فصل انتخاب کنید، صبح زود راهی شوید و با رعایت اصول طبیعت‌گردی، روزی متفاوت را در فاصله‌ای کوتاه از پایتخت تجربه کنید.

گردشگری خوراک

این خورش دروغگوست!

این خورش گیاهی که اصالتش به «لشت‌نشا» بازمی‌گردد، در واقع تلاقی هوشمندانه طعم‌های قرمه‌سبزی و فسنجان است؛ معجونی از گردو، سبزی‌های معطر و کدو حلوایی که چنان غنی و خوش‌خوراک است که جای خالی پروتئین حیوانی را به‌کلی از یادتان می‌برد. در سرزمین شگفتی‌های غذایی، یعنی گیلان، خورشتی به نام «دروغگو» (یا به گویش محلی «دور گو») وجود دارد که نامش از یک شوخی هوشمندانه می‌آید. غذایی که در ظاهر ادعای خورش بودن دارد، اما وقتی قاشق در آن می‌چرخد، خبری از گوشت و مرغ نیست. این خورش گیاهی که اصالتش به «لشت‌نشا» بازمی‌گردد، در واقع تلاقی هوشمندانه طعم‌های قرمه‌سبزی و فسنجان است؛ معجونی از گردو، سبزی‌های معطر و کدو حلوایی که چنان غنی و خوش‌خوراک است که جای خالی پروتئین حیوانی را به‌کلی از یادتان می‌برد. نام‌گذاری این غذا به دلیل ترکیب «فریب‌دهنده» آن است. طعم گردوی تفت‌داده و رب‌انار شما را به یاد فسنجان می‌اندازد و عطر سبزی‌های ساطوری و لوبیا، خاطره قرمه‌سبزی را زنده می‌کند. گیلانی‌ها با این ترکیب خلاقانه، ثابت کرده‌اند که برای داشتن یک خورش پرملاط و مجلسی، همیشه نیازی به استفاده از گوشت نیست.

طرز تهیه: ۱. لوبیا را از شب قبل خیس کنید. سبزی‌ها را ساطوری و پودر گردو را آماده کنید.۲. پیازهای نگینی را سبک کنید، کدو حلوایی‌های مکعبی و لوبیا را به آن اضافه کرده و کمی تفت دهید. ادویه‌ها را بزنید تا عطرشان آزاد شود. سپس با ۴ لیوان آب جوش، اجازه دهید لوبیا و کدو کاملا بپزند.۳. در تابه‌ای جدا، پودر گردو را تفت دهید تا خامی‌اش گرفته شود؛ سپس رب انار و رب گوجه را اضافه کنید. این ترکیب کاراملی را بعد از یک ساعت که لوبیا پخت، به خورش اضافه کنید.نکته حرفه‌ای: هر ۳۰ دقیقه یک تکه یخ کوچک در خورش بیندازید تا به گردوها شوک وارد شده و به روغن بیفتند.

۴. سبزی‌ها را جداگانه سرخ کنید تا رنگشان تیره (نه سوخته) شود. در ۳۰ دقیقه پایانی، سبزی‌های سرخ‌شده و نعنا خشک را به خورش اضافه کنید.۵. اجازه دهید خورش با حرارت ملایم به غلظت مناسب برسد.

فوت‌وفن‌های یک خورش دروغگوی واقعی/ اگر می‌خواهید طعم اصیل گیلانی را تجربه کنید، حضور سبزی محلی «چوچاق» ضروری است؛ این سبزی عطر خاص خورش‌های شمالی را به غذا می‌دهد.رمز موفقیت این غذا، غلیظ بودن آن است. اجازه دهید آب اضافی خورش کشیده شود تا طعم گردو و انار کاملاً به خورد لوبیا و کدو برود. این خورش را با کته ایرانی، همراه با مخلفات همیشگی سفره گیلانی (انواع ترشی یا سالاد شیرازی) سرو کنید تا تکمیل شود. بهتر است از نعنای خشک استفاده کنید نه تازه. چون نعنا خشک عطر و بویی دارد که نعنا تازه ندارد. اضافه‌کردن نعنا خشک در واقع باعث می‌شود تا خورشت عطر و طعمی لذیذ و متفاوت پیدا کند.

ایرانگردی

همه جاده‌های ایران به اینجا ختم می‌شود!

بندر گواتر در کنار دریای عمان قرار دارد و در ۹۵ کیلومتری چابهار و دقیقا هم‌مرز با پاکستان است؛ به همین خاطر اجازه شنا در دریا داده نمی‌شود و تمام قایق‌رانها نیز مراقب هستند به‌طور تصادفی وارد مرز پاکستان نشوند.

بندر گواتر به انتهای جاده‌های ایران شهرت دارد. این بندر منطقه‌ای در جنوب شرق ایران، هم‌مرز با پاکستان و جزوی از استان سیستان و بلوچستان است. اگر فیلم‌های علمی- تخیلی دیده باشید که فضای مریخ در آن‌ها به تصویر کشیده شده است، کاملا فضای گواتر را به آن شبیه می‌بینید. از ابتدای جاده گواتر به هر آدمی حس عجیبی دست می‌دهد؛ مخصوصا اگر در روشنایی روز وارد جاده وهم‌انگیزش شوید، مجذوب سکوت و زیبایی آن خواهید شد و تجربه فوق‌العاده‌ای به‌دست خواهید آورد.

بندر گواتر در کنار دریای عمان قرار دارد و در ۹۵ کیلومتری چابهار و دقیقا هم‌مرز با پاکستان است؛ به همین خاطر اجازه شنا در دریا داده نمی‌شود و تمام قایق‌رانها نیز مراقب هستند به‌طور تصادفی وارد مرز پاکستان نشوند. نزدیکی به آب‌های اقیانوس هند (سومین اقیانوس بزرگ زمین)، باعث شده است تا گواتر دریایی کاملا متفاوت نسبت به خلیج فارس و دریای خزر داشته باشد که در نوع خود بسیار جالب و منحصربه‌فرد است. یک نکته خاص دیگر درباره گواتر آن‌که بدون واسطه به قطب جنوب متصل است.

منطقه آبی موجود بین چابهار و گواتر در واقع دهانه اقیانوس است که همه ویژگی‌های سواحل اقیانوسی را دارد، جز گونه‌های گیاهی و جانوری ویژه اقیانوس‌ها. چیزی که سواحل این منطقه را از دیگر سواحل ایران متمایز می‌کند، صخره‌ها و موج‌شکن‌های طبیعی آن است که بر اثر برخورد موج دریا با این صخره‌ها امواجی به ارتفاع ۵ متر تشکیل می‌شود. همچنین بر اثر برخورد موج‌های مرتفع با سوراخ‌های موجود در صخره‌های ساحلی، فواره‌های زیبایی را به‌وجود می‌آید که به آن موج‌فشان می‌گویند.

سادگی این منطقه بیشترین دلیل محبوبیت آن است، پس انتظار نداشته باشید مانند شهر چابهار دارای ساختمان‌های مدرن و پیشرفته باشد. می‌توانید با کرایه قایق که معمولا بین ۶ تا ۱۲ نفر را سوار می‌کنند، به گشتن در خلیج بپردازید.

این خلیج به‌دلیل قرارگیری در مجاورت با جنگل‌های حرا، جزو مناطقی است که توسط محیط زیست حفاظت می‌شود. طبق گفته سازمان حفاظت محیط زیست چابهار، خلیج گواتر هرساله در اوایل پاییز پذیرای تعداد بی‌شماری از پرندگان مهاجر است. حدود ۴۰ نوع از گونه‌های مختلف پرنده‌ها در قالب دسته‌های ۱۰۰ تایی وارد این منطقه می‌شوند. جدای از حیات‌وحش دوست‌داشتنی گواتر، مهم‌ترین بخش بازدید از این منطقه، جنگل‌های حراست. مهم‌ترین جذابیت گواتر مردم خونگرم این منطقه هستند؛ مردمی که به‌رغم زندگی در مناطق محروم، دلی بزرگ و قلبی مهربان دارند. مردان و زنان گواتر بلوچ هستند؛ ولی ارتباط خویشی و نزدیکی با همسایگان خود در گوادر (نام پاکستانی گواتر) پاکستان دارند و رفت‌وآمد و حتی ازدواج بین آن‌ها بسیار مرسوم است. زبان بلوچی مردم این منطقه با سایر نقاط بلوچستان ایران تفاوت دارد و به زبان بلوچی رایج در پاکستان نزدیک‌تر است؛ هرچند تعدادی زیادی از مردم این منطقه به زبان فارسی نیز تسلط دارند. بیشتر دخترپچه‌ها مشغول فروش دستبند سوزن‌دوزی هستند و پسرها هم گوش‌ماهی، مروارید و انواع صدف می‌فروشند. تجارت در گواتر پیشینه‌ای طولانی دارد و تاجرها از آب‌های این خلیج، از هند به‌سمت آفریقا می‌رفتند. گواتر از مراکز اصلی پرورش و صادرات میگو نیز بوده؛ صنعتی که در این سال‌ها کمی از رونق افتاده است. روستای گواتر حدود ۱۶۰ هزار نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم این منطقه به ماهیگیری و حصیربافی مشغول هستند. روستا با توجه به مرزی بودن منطقه از امکانات اقامتی خاصی برخوردار نیست.

بهترین زمان سفر به بندر گواتر

بهترین فصل برای رفتن به بندر زیبای گواتر، فصل زمستان و فصل بهار (تا پایان اردیبهشت‌ماه) است. البته اگر قصد لذت از ساحل‌های طلایی‌رنگ و تجربه شنا در دریایی به رنگ آبی لاجوردی دارید، تابستان نیز می‌توانید به این منطقه سفر کنید؛ ولی گرمای شدید هوا در این فصل باعث شده بسیاری از سفر به این منطقه در تابستان منصرف شوند.

دیدگاه

کرمانشاه؛ دروازه خورشید و نگین درخشان مسیر عاشقی

■ فهیمه روشن*

در جغرافیای سیاسی و فرهنگی ایران، استان کرمانشاه همواره فراتر از یک محدوده جغرافیایی صرف بوده است. این استان، از دیرباز «دروازه عتبات» و پیشانی تمدنی ایران در مسیر غرب محسوب می‌شده است. اما در روزهای اخیر، شاهد چرخش استراتژیک و هوشمندانه‌ای در مدیریت گردشگری مذهبی این استان هستیم؛ حرکتی که کرمانشاه را از یک «معبر عبوری» به یک «مقصد رویدادمحور» تبدیل کرده است. ثبت چهار رویداد مهم در تقویم گردشگری مذهبی کشور، نویدبخش ظهور یک برند جدید در عرصه گردشگری مذهبی ایران است: «کرمانشاه؛ پایتخت رویدادهای آیینی و دروازه کربلا».

گل سرسبد این موفقیت‌ها، ثبت ملی رویداد «دروازه کربلا» به نام کرمانشاه است. این نام‌گذاری، هوشمندانه، ریشه‌دار و در عین حال کاملا مدرن است. این عنوان، نه‌تنها بر یک واقعیت تاریخی تأکید دارد، بلکه در ذهن مسافر و زائر، کرمانشاه را به عنوان سکوی پرتاب معنوی به‌سوی عتبات عالیات حک می‌کند. در کنار آن، ثبت «آیین سوگواری و زیارت اربعین حسینی» در شهرستان کرمانشاه، نشان داد که این استان توانسته است فرهنگ میزبانی اربعینی خود را از قالب رفتارهای خودجوش مردمی به سطح یک دانش آیینی ثبت‌شده ارتقا دهد.

در شهرستان صحنه نیز، رویداد «پذیرایی از زوار اربعین حسینی» به ثبت رسیده است؛ رویدادی که نماد بارز «مهمان‌نوازی کرمانشاهی» است. همچنین، ثبت «آیین تعزیه‌خوانی در روستای کندوله» در شهرستان صحنه، پیوند هنر نمایش آیینی با تاریخ شفاهی منطقه را مستحکم کرد. این چهار رویداد، پازل گردشگری مذهبی کرمانشاه را کامل کرده‌اند؛ چرا که هرکدام به بخشی از هویت زائر پاسخ می‌دهند: دروازه کربلا به حس حرکت و معنویت، سوگواری به حس همدلی، پذیرایی به حس رفاه و تعزیه به حس هنر و اصالت.

در مدیریت جدید گردشگری کرمانشاه، به‌درستی دریافته‌اند که «زائر»، با «گردشگر معمولی» تفاوت دارد. زائر به دنبال تجربه، آرامش و کیفیت است. وقتی ۶۰درصد عاشقان اباعبدالله(ع) از این دیار عبور می‌کنند، یعنی کرمانشاه می‌تواند بزرگ‌ترین نمایشگاه صنایع‌دستی، بهترین کارگاه معرفی غذاهای سنتی و غنی‌ترین تریبون معرفی تاریخ ایران باشد. ثبت این رویدادها، تلاشی است برای اینکه زائر، کرمانشاه را فقط از پشت شیشه اتوبوس نبیند؛ بلکه توقف کند، بخرد، ببیند، تجربه کند و مهم‌تر از همه، با خاطره‌ای خوش به دیار خود بازگردد.

برندسازی در گردشگری مذهبی، هنری است که کرمانشاه به تازگی در آن استاد شده است. برندسازی یعنی ایجاد یک تداعی ذهنی واحد در ذهن مخاطب. تا پیش از این، کرمانشاه برای زائر، بیشتر یادآور «خستگی راه» بود، اما با ثبت ملی این رویدادها، کرمانشاه در حال تبدیل‌شدن به ایستگاه آرامش و تجربه اصالت است.

در نهایت، آنچه در کرمانشاه رخ داده، فراتر از ثبت چهار عنوان روی کاغذ است؛ این یک بیانیه است. بیانیه‌ای که می‌گوید کرمانشاه دیگر نمی‌خواهد در حاشیه بماند. کرمانشاه می‌خواهد در مرکز توجه گردشگری مذهبی خاورمیانه باشد. با تکیه بر این هویت تازه، دروازه کربلا نه‌تنها زوار اربعین، بلکه تمامی گردشگران فرهنگی که به‌دنبال ریشه‌های اصیل آیین‌های شیعی هستند را به سوی خود فرا خواهد خواند.

*معاون گردشگری استان کرمانشاه